

پس از بزرگ علوی (در ۱۳۷۵) و محمدعلی جمالزاده (در ۱۳۷۶) صادق چوبک نیز درگذشت.

هر چند در سال‌های پس از انقلاب، اثری از او در وطنش چاپ نشد اما نام وی، به عنوان یکی از پیشروان داستان‌نویسی ایران، در اذهان زنده ماند.

چوبک از جمله روشنفکران جوانی بود که در سال‌های پس از شهریور ۱۳۲۰، تحت تأثیر صادق هدایت، به نوآوری در ادبیات معاصر می‌اندیشیدند. چهره‌های اصلی این حرکت، آل‌احمد و گلستان و چوبک بودند؛ نویسندگانی که به دنبال جمالزاده و هدایت و علوی، داستان کوتاه را به یکی از شاخه‌های اصلی ادبیات ایران تبدیل کردند.

چوبک، چون شاگرد صدیقی از مکتب هدایت، آدم‌های مطرود تحتانی‌ترین لایه‌های اجتماعی را به داستان‌هایش راه داد و کوشید با بازتولید لحن آنان، شخصیت و راه و روش زندگی‌شان را به نمایش بگذارد. و از سویی، همانند آل‌احمد و گلستان، متأثر از ادبیات رئالیستی امریکا، به ساختمان داستان توجهی جدی نشان داد. در دوره‌ای که او شروع به نویسندگی کرد، رشد مفاهیم جامعه‌گرایانه در سیاست و فرهنگ، نویسندگان را متوجه زندگی بی‌پناهان و افشای بی‌عدالتی‌های اجتماعی کرده بود. اما اغلب کسانی که به این مضامین پرداختند از حد موردنگاری‌های اجتماعی غیرهنری فراتر نرفتند. اما چوبک با نوعی «عین‌نمایی» ناتورالیستی،

مهپاره

داستانهای عشقیندو

نخرف و بین ازین سانکریت

ترجمه انگلیسی
صادق چوبک



مهپاره

سازمان فرهنگی ایران

مهرماه ۱۳۷۳

لاهور ۱۳۷۳

که به شکلی بی طرفانه و غیراحساساتی انجام می‌شد، اقدام به بازآفرینی دنیای بیرحمی کرد که آدم‌های ترسان و تحقیر شده‌اش چشم دیدن یکدیگر را ندارند.

صادق چوبک به سال ۱۲۹۵ در بوشهر به دنیا آمد و پس از کسب دیپلم ادبی از کالج امریکایی تهران به استخدام وزارت فرهنگ و سپس شرکت نفت در آمد. نخستین ترجمه‌ها (آثاری از یوجین اونیل و آرتور شنیتسلر وی. ایچ لارنس) و داستان‌هایش را در دوره‌ای از مجله «سخن» که تحت نفوذ هدایت بود و ماهنامه «مردم» به چاپ رساند. در همین سال مجموعه‌ای از نخستین داستان‌هایش را با عنوان خیمه شب بازی (۱۳۲۴) منتشر کرد. دیری نگذشت که دومین مجموعه‌اش، انتری که لوطی‌ش مرده بود (۱۳۲۸) به چاپ رسید. داستان‌های این دو کتاب از لحاظ فضا سازی و نمایش روحیه و روابط شخصیت‌ها از ورای گفتگوهای زنده و طبیعی، از بهترین‌های ادبیات داستانی ایران است. با این دو اثر نخستین و پربارترین مرحله خلاقیت هنری چوبک پایان می‌یابد.

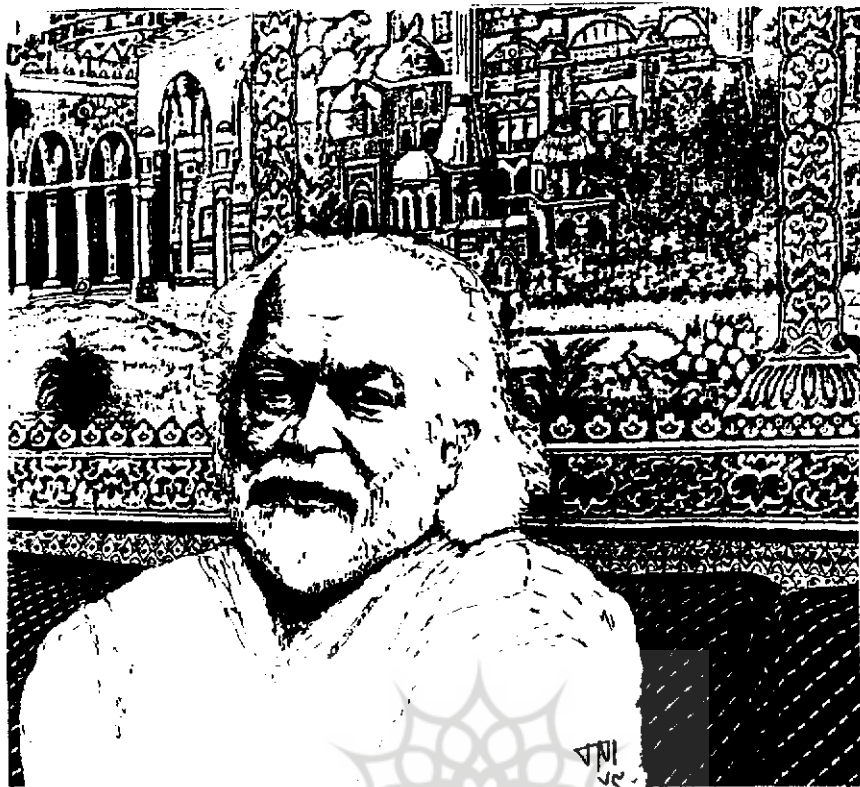
چوبک به عنوان مشخص‌ترین چهره ادبیات ناتورالیستی به فساد و زشتی‌های محیط می‌پردازد و می‌کوشد با توصیف دقیق جزئیات، تصویری زنده از واقعیت ترسیم کند. اما با انتخاب آدم‌هایی مقهور تقدیر و غریزه جنسی، تنها بخشی از واقعیت را مجسم می‌کند. با این حال به دلیل تبحر در ساخت و پرداخت داستان، و نگرستن به مضمون با نگاهی شسته شده از

غبار تکرارهای اخلاق و احساسات، موفق به پرده برداشتن از جلوه‌های هراسناک جامعه‌ای
قحطی‌زده و بیمار می‌شود - جلوه‌هایی که همواره کوشیده‌اند آن‌ها را پنهان کنند.
آنچه از نظر هنر داستان‌نویسی در کار چوبک قابل تأمل است، این است که نویسنده
اقتدار طلب و دانای کل کنار می‌رود تا داستان با مکالمه شخصیت‌ها پیش برود و اوج و فرود
طبیعی خود را طی کند. و این صنعتی کارآمد در داستان‌هایی است که در نفی اقتدار و مقهوریت
نوشته شده‌اند. اهمیت دادن به فردیت شخصیت‌هایی که همه آنان امکان می‌یابند حرف بزنند و
مکنونات قلبی خویش را بیان کنند، سبب پدید آمدن شخصیت‌هایی می‌شود که پس از گذشت
این همه سال هنوز هم زنده و باورکردنی‌اند. از همین رو هم هست که «گفتگو» نقش عمده‌ای در
سخت فضای داستان‌های او ایفا می‌کند. داستان از طریق گفتگو گسترش می‌یابد و فکر و فلسفه
زندگی‌اش از لابه‌لای گفتگوها آشکار می‌شود. نفی فضای تک‌صدایی که در آن تنها نویسنده
دانای کل حق سخن گفتن دارد، در رمان سنگ صبور (۱۳۴۵) به شکل کنار هم قرار گرفتن قول‌های
ضد و نقیضی بروز می‌یابد که هر یک جنبه‌ای از واقعیت را می‌نمایانند.

به واقع اهمیت چوبک در ادبیات معاصر در گفتگوپردازی‌ها و توصیف‌های زنده‌ای است که
در پیشرفت نثر امروز نقش مهمی داشته است. او به جای توضیح دادن و گزارش کردن،
شخصیت‌ها را در صحنه رویدادها تصویر می‌کند و به خواننده امکان می‌دهد تا آنچه را که در
داستان روی می‌دهد ببیند. مثلاً توصیف‌ها و گفتگوهای داستان «چرا دریا طوفانی شد» آن قدر
طبیعی است که خواننده جمع شوفرها، توفان و تلاطم دریا را به خوبی حس می‌کند و به راحتی
در فضای داستان قرار می‌گیرد.

در سال ۱۳۳۴ چاپ دوم خیمه شب‌بازی منتشر شد. در این سال چوبک برای شرکت در
سمینار دانشگاه هاروارد به آمریکا سفر کرد و سپس به دعوت کانون نویسندگان شوروی، به
مسکو و سمرقند و بخارا رفت. ینوکیو اثر کارلو کولودی را با نام آدمک چوبی به فارسی برگرداند.
ضمن چاپ داستان‌هایی در مجله «سخن»، در سال ۱۳۳۸ ترجمه شعر «غراب» ادگار آلن پو را در
مجله «کاوش» منتشر کرد.

چوبک که در نخستین مرحله خلاقیت ادبی خویش از رنج و ستمی نوشته بود که بر
ستم‌دیدگان، و به خصوص زنان، روا می‌شود، در رمان تنگسیر (۱۳۴۲) و مجموعه داستان‌های
چراغ آخر (۱۳۳۴) و دوز اول قبر (۱۳۴۴) به مضمون «کیفر ستمگران» پرداخت.
چوبک سال ۱۳۴۹ را به تدریس در دانشگاه یوتا گذراند. در سال ۱۳۵۱ در کنفرانس
نویسندگان آسیایی و آفریقایی در قزاقستان حضور یافت و گزیده‌ای از آثارش به زبان روسی در
مسکو منتشر شد. در سال ۱۳۵۳ پس از بازنشستگی، راهی انگلستان و آمریکا شد.



طراحی از چهرهٔ چوبک کار بیژن اسدی پور

بسیاری از آثارش به زبان‌های گوناگون ترجمه شده و در سال‌های اخیر مجالسی برای بزرگداشت او در دانشگاه‌های آمریکا برپا شده است. آخرین اثرش، مه‌پاره (۱۳۷۰) ترجمه‌ای شیوا از داستان‌های عاشقانهٔ هندی به زبان فارسی است. یادش گرامی باد که عمری را در راه اعتلای زبان و ادبیات ایران صرف کرد.